تاریخ سیاسی یمن

کشور یمن با مساحتی بالغ بر 536869 کیلو متر مربع و جمعیتی حودود 24 ملیون نفر در منطقه حساس جقرافیایی واقع شده است . حدود 98 درصد مردم مسلمان که 55 درصد سنی شافعی مذهب و 45 درصد که اکثرا زیدی مذهب هستند میباشند .از لحاظ نژادی 86 درصد عرب هندی 3 درصد سومالییایی 1 درصد و بقیه که اکثرا پاکستانی، اریتره، اتیوپی هستند حدود 10 درصد را تشکیل میدهند. کشور یمن از لحاظ جغرافیایی در موقعی حساس واقع شده و در طول تاریخ شاهد اتفاقات گوناگونی بوده است ما در این بررسی مختصر به سه مسئله خواهیم پرداخت اول چه عاملی در تاریخ سیاسی یمن موثر بوده است دوم در دوران فعلی عوامل شکل گیری بحران در یمن چیست؟ و سوم دلایل طولانی شدن بحران یمن را بررسی میکنیم.

یمن در دوران باستان قلمرو حکومت هایی همچون قبتان، معین، سبا، و حمیر بوده است.ملکه سبا 950 تا 115 قبل از میلاد بر یمن حکومت میکرده و بعد از ملکه سبا یمن تا قرن 6 میلادی تحت سیطر ه حمیری ها بوده در سال 525 توسط حبشی ها اشغال شد.تلاش یمنی ها برای رهایی از سلطه حمیری ها منجر به نفوذ اقوام پارسی در زمان اشکانیان در یمن میشود بعد از پاکسازی حبشی ها انوشیروان مرزدارانی برای محافظت از مرزهای یمن اعزام میکند.که بعد از آغازدعوت علنی به اسلام دو تن از مرزداران ایرانی به نام های فیروز دیلمی و زاذویه در گسترش اسلام در یمن نقش موثری داشته اند.در بین سال های 1037 تا 1174 میلادی همزمان با گسترش اسلام نفوذ حکومت اسماعیلیان در یمن را شاهدیم. در سال 1174 حکومت اسماعیلیان توسط صلاح الدین ایوبی در مصر از بین رفت. وشاهد حکومت نیم قرنی وی در این کشور هستیم که بعداز نیم قرن اوضاع یمن را به عهده قبیله الرسول گذاشت.دولت قبیله الرسول نیز در سال 1517 که پرتغالی ها به عدن حمله کردند تجزیه گردید.

عثمانی ها به بهانه ی جلوگیری از حضور پرتغالی ها و حفاظت از اماکن مقدسه عربستان یمن رابه تصرف خود درآورد و پاشایی را به عنوان حاکم در صنعا گماشت.

در سال 1804 وهابی ها مکه و مدینه را به تصرف خود درآوردند و در منطقه تهامه نفوذ کردندچند سال بعد سلطان عثمانی از دست نشانده خود محمد علی پاشا خواست تا وهابیون را از منطقه تهامه بیرون براند و در نبردی که در سال 1837 رخ داد موفق به بیرون راندن وهابیون از منطقه تهامه شدندو تعز را که یکی از استان های یمن است را به تصرف خود در آوردند.

بعد از پایان جنگ جهانی اول و فرو پاشی عثمانی انگلستان بر یمن تسلط یافت پس از دوران جنگ انگلستان طی قرارداد هایی مثل قرارداد 1934 طائف ببین یمن و عربستان حدود مرزهای یمن را مشخص کرد.

پس از سلطه انگلستان و تعیین مرزهای یمن برای تضمین حضور خود در منطثه و مشروعیت بخشی به اقدامات خود فدراسیونی مرکب از حکمرانان سرزمین های تحت الحمایه با حضور عدن شرقی و عدن غربی با نام امارات عربی جنوبی تشکیل داد .

فدارسیون مورد قبول دول عربی و مردم منطقه واقع نشد. شورش های اتحادیه های کارگری (حزب سوسیالیست خلق) ترور مقامات انگلیسی در یمن ،مبارزه گروههای مبارز ملی در گروه جبهه آزادیبخش ملی بخشی از اعتراضات داخلی علیه انگلستان و فدراسیون بود در بخش بین الملل نیز انتقاد از عملکرد انگلیس در قبال مخالفان مورد انتقاد دولت های عرب و جناح چپ انگلستان قرار گرفت و در نهایت تصویب قطعنامه 1949 سازمان ملل متحد که توسط گروه ضد استعماری سازمان تهیه شده بود و در آن حق تعیین سرنوشت جنوب عربستان و انتخابات تحت نظارت سازمان ملل خواسته شده بود...

در نتیجه رخ داد های داخلی و بین المللی انگلستان در سال 1964 موافقت نمود که فدراسیون امارات جنوبی در سال 1968 به استقلا دست یابد. در این میان در سال 1962 با کودتای عبدالله سلال سیستم امامت زیدی در یمن از بین رفت و سیستم جمهوری در یمن برپا شد.

ویزگی قبیله ای یمن بین سال های 1962 تا 1967 تحت تاثیر سیاست هی دئ بلوک رنگ بیشتری به خودگرفت.عده ای از قبایل جنوب همراه با نیروهای جمهوری خواه مورد حمایت رژیم ناصر در مصر میجنگیدند و حال آنکه عده ای در شمال از حکومت سنتی امامان زیدی حمایت میکردند. و بالاخره در سال 1967 تحت تاثیر رقابت های دو بلوک یمن نیز به دو مانند آلمان، کره، ویتنام به دو بخش جمهوری یمن عربی یا یمن شمالی و جمهوری دموکراتیک یمن یا یمن جنوبی تقسیم شد.

مهمترین قبایل شمال عبارتند از حاشد، حیمه، ارحب، جهم، نهم،مذحج و سنجان مباشند

مهمترین قبایل جتوب عبارتند از عواذل، یافع فضلی، ضالع، دفینه، ردفان، مکلا و حامی میباشند که مهمترین قبایل یمن حاشد و بکیل میباشند.

یمن جنوبی: قحطان محمد الشعبی در 30 نوامبر 1967 به عنوان رئیس جمهور جمهوری دموکراتیک یمن برگزیده شد و عدن نیز به عنوان پایتخت انتخاب گردید. هدف الشعبی اتحاد شمال و جنوب بود و در دوره ریاست جمهور وی روابط شمال و جنوب گسترش یافت اما با اختلاف الشعبی با جناح رادیکال جبهه آزادی بخش موجب کودتا علیه وی شد و سالم علی ربیع قدرت را در دست گرفت که موجب تغییر در روابط دو طرف شد.

یمن شمالی: احمد القشمی از سال 1967 تا 1978 رئیس جمهور جمهری عربی یمن بود و صنعا به عنوان پایتخت جمهوری یمن عربی برگزیده شد در سال 1978 احمد القشمی از طریق کودتا از قدرت برکنار شدو علی عبدالله صالح قدرت را در دست گرفت.

وابستگی های شمال و جنوب یکی به عربستان و دیگری به شوروی باعث افزایش تنش ها گردیدو طرفین یکدیگر را به دخالت در امور داخلی و تشدید تنش ها متهم می کردند و صالح مردم جنوب را به شورش علیه دولت جنوب فرا می خواند و این تنش ها منجر به درگیری های شدید مرزی بین سال های 1971 تا 1979 شد.

اوج درگیری ها در سال 1979 بود تا این که سران دو یمن در کویت با یکدیگر ملاقات کردند و قراردادی را جهت اتحاد دو یمن امضا کردند. دهه80میلادی دهه تنش زدایی بین دو یمن بود و طی این دهه طرفین برای رسیدن به هماهنگی های بیشتر قراردادهایی را به امضا رساندند که مهمترین آنها عبارت بودند از:

1981 توافق بر سر سیاست خارجی مشترک

1985 توافق بر سر بهره برداری مشترک از منابع طبیعی

1988 نوافق علی عبدالله صالح و علی سالم البیض جهت اتحاد

و سرانجام در 22 مه دو کشور متحد شدند و جمهوری یمن را به وجود آوردند و صنعا به عنوان پایتخت سیاسی و عدن به عنوان پایتخت اقتصادی انتخاب شذند..

علی عبدالله صالح در 21 مارس 1942 در روستای سرخانه در استان صنعا به دنیا آمد وی از شیعیان زیدی مذهب است و در سال 1958 به ارتش یمن پیوست و در سال 1962 در اجرای کودتا علیه امام زیدی مشارکت داشت و در سال 1978 در کودتا و قتل علیه احمد القشمی رئیس جمهور و رئیس کل قوا نقش برجسته داشت و از سال 1978 تا 1990 رئیس جمهور یمن شمالی بود و بعد از اتحاد نیز تا نوامبر 2011 عهده دار ریاست جمهوری بود که با امضای طرح شورای همکری خلیج فارس قدرت را به منصور هادی معاون خود واگذار کرد.سیاست خارجی یمن بر اساس حسن معاشرت با همسایگان و بی طرفی بنا شده است. آخرین انتخابات ریاست جمهوری یمن در سال 2006 برگزار شد که عبدالله صالح با 2/70 درصد ارا به ریاست جمهوری برگزیده شد.

در سال 1994 نگی به نام جنگ تجزیه بین حزب سوسیالیست یمن و نیروهای شمال تحت امر علی عبدالله صالح در یمن رخ داد که در آن حدود صد هزار نفر از ساکنان یمن جنوبی مجبور به بازنشستگی اجباری شدند که به حزب خانه نشینان معوف شدند به خیابان ها ریختند و خواستار بازگشت به کار خود بودند.جنگ تجزیه با وساطت سازمان ملل متحد پایان پذیرفت و بعد ازآن اختیارات ویژه ای به رئیس جمهور داده شد و آزادی هایی که در قانون اساسی برای احزاب، مطبوعات . مردم در نظر گرفته شده بود تا حدود زیادی محدود شده بود.

بحران سال 2011 و ریشه های آن:

بحران از آ«جا شروع شد که علی عبدالله صالح 68 سالهکه از سال 1978 قدرت را در دست دارد در پی آن برآمد که پسرخود را به جانشینی خود بنشاند. این درخواست توسط شیخ سلطان برقانی رئیس گروه پارلمانی حزب حاکم مطرح شدتا راه را برای مادام العمر شدن ریاست جمهوری صالح فراهم کند.این درخواست باعث تشدید نگرانی ها به دلیل تداوم وجودو قدرت و ثروت در خانواده علی عبدالله صالح شد.

هشدار رئیس اتحاد قبیله ای حاشد مبنی بر اینکه چنین کاری در صورت تصویب در پارلمان ویرانی یمن را به دنبال داشته و صالح را تبدیل به فرعون خواهد ساخت. لذا صالح با مشاهده اعتراضات ازاین کار منصرف شد ولی همزمانی این واقعه با وقایع مصر و تونس و لیبی باعث بازگشت آرامش به مردم نشد و معترضین خواهان کناره گیری صالح از قدرت شدند که پس از حدود 11 ماه اعتراضات گسترده و کشته و زخمی شدن صدها نفراز شهروندان یمنی در نوامبر 2011 علی عبدالله صالح طرح شورای همکاری خلیج فارس را امضا کرد و اختیارات خود را منصور هادی معاون خود واگذار کرد.

دلایل و ریشه های بحران در یمن:

1-مشکلات اقتصادی:

مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم،آمار35 درصدی نرخ بیکاری در یمن،کمبود آب آشامیدنی و طبق طبق گزارش سازمان ملل وجود حدود 7 ملیون انسان گرسنه که از کمبود مواد غذایی رنج می برند بخشی از مشکلات اقتصادی مردم یمن است.

2-نابرابری های اجتماعی:

ساختار اجتماعی یمن قبیله ای میباشد و در درون خود نا برابری های اجتماعی و رانده شدن برخی گروه ها را به دنبال دارد، توزیع نا برابر منابع دولتی، فساد شدید سیاسی و اقتصادی که حکومت یمن را به حکومت دزدان مشهور کرده است و طبق گزارش سازمان شفافیت بین المللی رتبه یمن در بین 180 کشور 154 است.

3-جنگ با شیعیان:

حوثی ها جماعتی زیدی مذهب هستند که که از سال 2004 با دولت مرکزی درگیر شدند.حوثی ها اسم خود را از رهبر معنوی خود یعنی بدرالدین حوثی گرفته اند. بعد از اتحاد دو یمن حوثی ها حزب الحق را تاسیس کردند و درسال 1997 جناح رادیکال حزب به رهبری حسین الحوثی تشکل جوانان مومن را ایجاد کردند.رابطه حوثی ها با دولت مرکزی تا سال 2003حسنه بوده است حتی حوثی ها در سال 1994در جنگ تجزیه به کمک دولت مرکزی شتافتند. در سال2003 همزمان با اشغال عراق و همچنین مخالفت حوثی ها با سیاست خارجی و اوضاع نا به سامان اقتصادی شروع شد و با تظاهرات مقابل سفارت آمریکا ادامه یافت. دستگیری حوثی ها و همچنین در گیری بین دولت و هواداران حوثی در منطقه مران محل سکونت حسین الحوثی آغاز شد و اولین دور جنگ ها با کشته شدن حسین الحوثی به پایان رسید و این جمگ ها شش دور ادامه یافت و آخرین مرحله جنگ در 11 فوریه2010 به پایان رسید.در پی این جنگ ها عربستان صعودی پس از توافق 2000 جده و حل و فصل مشکلات مرزی با یمن در مقابل تجزیه طلبان حوثی جانب دولت را گرفت و وارد عرصه درگیری ها شد.کارشناسان دو دلیل برای ورود عربستان به مناقشه صعده ذکر میکنند:

1-رقابت منطقه ای با ایران: پس از قدرت رسیدن شیعیان در عراق و ایستادگی متحدان ایران در لبنان و فلسطین افزایش قدرت شیعیان در یمن نیز باعث افزایش نفوذ ایران در منطقه میشود که قابل قبول عربستان نیست

2-قدرت گیری القاعده:کارشناسان معتقدند که بعد از پاکستان و افغانستان،یمن وسومالی پایگاه بالقوه برای فعالیت القاعده به شمار می رود

4-جنگ با مناطق جنوبی:

پس از جنگ1979 و وحدت دو یمن در سال1990 در سال1994 دوباره شمال و جنوب با یکدیگر درگیر شدند که با وساطت سازمان ملل تا حدودی کنترل شد. مردم جنوب احساس میکنند در قضیه یکپارچگی فریب صالح را خورده اند زیرا وی تمامی امکانات را به حوزه نفوذ خود اختصاص داده است و نیروهای جنوب هنوز هم در شکل حمله به نیروهای دولتی،کمک به القاعده و گروگان گرفتن اتباع خارجی به مبارزه با رزیم صالح می پردازند.

5-رابطه با ایالات متحده:

رابط بن لادن و دولت یمن در دهه80 رابطه مستحکمی بود زیرا در آن دوران نگرانی بن لادن تهاجم نظامی شوروی به افغانستان بود و از احیای خلافت اسلامی و جنبش جهادی بین المللی خبری نبود و بن لادن به هواداران خود قول داده بود بعد از افغانستان نوبت یمن جنوبی خواهد رسید. در دهه 90 صالح جهادیون بازگشته از افغانستان را افرادی شجاع مینامید.اما بعد از تحولات11سپتامبر نگاه دولت یمن به القاعده تغییر کرد و با درک شعار بوش مبنی بر اینکه یا با ما یا علیه ما حمایت همه جانبه خود را از حنگ آمریکا علیه تروریسم اعلام داشت.در این میان مردم یمن هر چند نفس مبارزه با القاعده را بد نمی دانند ولی حمایت همه جانبه از آمریکا و اینکه اجازه داده شده است سر خود هر نقطه ای را مورد هدف قرار دهندموجب بیزاری مردم از علی عبدالله صالح شده است.

علل طولانی شدن بحران یمن:

تحولات یمن نسبت به سایر کشورهای منطقه طولانی تر است که به برخی از این دلایل مپردازیم:

1-تفاوت در اهداف و عملکرد میان مخالفان:

در این میان می توان به دو گروه مخالفان اشاره کرد:

الف:انقلابیون:مردم و جوانان از شمال و جنوب و شرق و غرب که خواهان کناره گیری صالح هستند این گروه مناسبات سنتی،حکومت نظامیان و شیوخ قبایل را عامل فقر و فلاکت می دانند.

ب:احزاب اپوزیسیون: در این میان مهم ترین بازیگر گروه حزبی اتحاد مشترک که ائتلافی است از پنج گروه از جمله حزب اصلاح(اسلام گرا) و حزب سوسیالیت(مناطق جنوب)این گروه ها بخشی از نظام سنتی یمن هستند. که این گروه ها بر خلاف دسته قبلی به صورت محافظ کارانه باب گفتگو با دولت صالح را بازگذاشته اند.

احزاب بزرگ یمن:

1-حزب کنگره ی عمومی خلق(حزب حاکم)

2-حزب تجمع اصلاح(حزب معارض به ریلاست شیخ عبدالله حسین الاحمر رئیس مجلس نمایندگان)

3-حزب سوسیالیست

4-حزب الحق(متعلق به شیعیان صعده)

5-حزب ناصری

6-حزب بعث قومی

7-حزب رابطه ابناالیمن

 2-نقش عربستان:

تحولات عراق و روی کار آمدن شیعیان ،تحولات بحرین که باعث مداخله نظامی عربستان نیز شد سبب گردید عربستان در یمن سیاست جدی در حمایت از صالح بگیرد.ایجاد یک دولت مستقل در یمن برای عربستان تبعاتی دارداز جمله باز پس گیری مناطقی از یمن که در اختیار عربستان است.همچنین با قدرت گیری شیعیان در یمن شیعیان بحرین و شرق عربستان نیز تحت تاثیر قرار می گیرند که در جهت سیاست های ریاض نمی باشد..

3-نگرانی های شورای همکاری خلیج فارس:

حمایت اولیه شورا همکاری خلیج فارس از صالح به دلیل نگرانی از شکل گیری بلوک شیعه در منطقه است که به نفوذ ایران می انجامد.اما با وخامت اوضاع یمن طرح ارائه شد که انتقال قدرت با کمترین ضرر برای شورا باشد در این طرح از صالح خواسته شده بود ظرف مدت شش ماه قدرت را ترک کند که این طرح با مخالفت مخالفین و خود صالح رد شد بعد از رد شدن طرح اول شورا طرح دیگری ارائه داد که به طرح سقوط طلایی معروف شد در این طرح صالح طی یک ماه از قدرت کناره گیری می کند و در مقابل به صالح و خانواده اش مصونیت کامل قضایی اعطا شد.که سرانجام صالح طرح دوم را امضا کرد و از قدرت کناره گیری کرد.

 4- نگرانی آمریکا از روی کار آمدن اسلام گرایان:

در تحولات یمن برای آمریکا رشد اسلام‌گرایی و نفوذ بیشتر اخوان المسلمین، زیدی‌ها و به ویژه القاعده بیش از هر چیز برای آمریکا اهمیت داشته و نگرانی آمریکا را نیز به همراه داشته زیرا قدرت‌گیری هر کدام از این گروه ها باعث تقویت بنیادگرایی و از بین رفتن اقدامات آمریکا در یمن در قبال مبارزه با تروریسم میشود.

|  |
| --- |
| گروه های اسلام گرا در یمن و جهت گیری آنها |
|  | رهبران یا سازمانهاای اصلی | مشارکت در سیاست حزبی | وفاداری به نظام حاکم | دوره های رویاروئی با دولت | مخالفت با دیگر گروه ها |
| اخوان المسلمین | جماعت یمنی اصلاح (حزب اصلاح) | بله | خیر | خیر | بله |
| زیدی ها | حزب الحق , حوثی ها | بله | خیر | بله | بله |
| گروه های جهادی | وابستگان به القاعده | خیر | خیر | بله | بله |
| سلفی ها | مقبل بن هادی الوادعی (وفات2001) | خیر | بله | خیر | بله |
| صوفی ها | دارالمصطفی | خیر | بله | خیر | خیر |

نتیجه گیری:

در مورد عامل موثر درتاریخ سیاسی یمن باید گفت تحولات یمن بیشتر تایع مسائل بین المللی است تا مسائل قومی.مداخله ایران در زمان انوشیروان،مداخله پرتغالی ها و عثمانی ها وانگلیس ها.تقسیم دو یمن در زمان اوج جنگ سرد و اتحاد دو یمن در زمان افول نظام دو قطبی و همچنین تحولات سال2011 همزمان با تحولات خاورمیانه شاخص هایی در مرود اثبات این ادعاست که تحولات یمن بیشتر تابع مسائل بین المللی بوده است تا مسائل قومی.

منابع

کتاب:

1-کریملو داوود، جمهوری یمن،موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه،تهران،1374

2-باقری چوکامی،یمن،انتشارات امیرکبیر،تهران 1389

مقالات:

1-بها افسانه، ریشه های بحران در یمن، پیام انقلاب،شماره 37، سال 89

2-صادقی حسین،احمدیان حسن،دگرگونی جایگاه منطقه ای یمن:امکانات و چالش ها،راهبرد،شماره56، سال 19 پاییز 89

3-ساسانیان سعید،جمهوری یمن سعودی،راه، شماره 45، اسفند88

4-کاردان عباس،قیام انقلابی در یمن ، زمینه ها و موانع داخلی و خارجی،عملیات روانی،شماره29،سال 8،تابستان 90

 سایت http://www.csr.ir/departments.aspxlng=fa&abtid=01&depid=44&semid=397http://www.seymare.com/?p=2831.

http://mags.dte.ir/Journal/Text/Rahtooshe/Article/index.aspx?JournalNumber=103&ArticleNumber=28936

‌

حسن حسنی , کارشناس ارشد خاورمیانه